

سفر با راویان تاریخ به گذشتهٔ مشهد

پشت دروازهٔ ارگ

معصومه فرمانی کیا- مشهد ویژه است. از همان روزگار که خبری از قطار و ماشین و هواپیما نبود و عصر سفر با اسب، استر، قاطر و شتر بود. از همان گذشته‌های دور که شهر جمع وجور و کوچک بود و نهایتش ختم می‌شد به دروازه‌هایی که دور تادور آن را گرفته بودند و ورودی‌های شهر به حساب می‌آمدند، اشتیاق رسیدن به این شهر همیشه بوده است تا آنجا که مسافران پشت ورودی‌های شهر سر از پا نمی‌شناختند.

دروازه‌ها اولین محل‌های ورود به شهر محسوب می‌شدند و رفته رفته با توسعه و تغییر چهره و معماری شهرها تاریخ اعتبار آن‌ها تمام شده و مثل خیلی چیزهای دیگر رفته رفته از خاطره‌ها پاک و محو می‌شوند. درهای ورود به شهر علاوه بر تأمین و حفظ امنیت، سود اقتصادی هم به همراه داشته‌اند تا آنجا که برای ورود هر نفر به شهر بسته به بار و بنه همراه مسافر عوارض گرفته می‌شد و نگهبان با پرسش‌های متعدد هویت شخص را مشخص می‌کرد و بعد اجازهٔ ورود داده می‌شد. علاوه بر شهر، امنیت محله‌ها هم از طریق دروازه‌هایی حاصل می‌شد که شب‌هنگام برای اطمینان و آرامش خیال اهالی بسته می‌شد.

آن‌ها که سن و سال دارتر و قدیمی‌اند بین حرف‌ها، گفته‌ها و خاطراتشان حتماً یادی از این ورودی‌ها کرده‌اند. بخشی از گذشتهٔ شهر ما که آنقدر ارزشمند، تاریخی و فرهنگی است که هنوز لابه‌لای کتاب‌های تاریخ مشهد بتوان نقشه و تاریخچهٔ آن را پیدا کرد. محققان و پژوهشگران، شش دروازهٔ مهم در مشهد را نام برده‌اند؛ از دروازهٔ سمت بالاخیابان در شمال غرب شهر گرفته تا دروازهٔ سراب در غرب، دروازهٔ ارگ در جنوب غرب، عیدگاه در جنوب، دروازهٔ پایین خیابان در جنوب شرق و دروازهٔ نوغان در شمال شرق.

در میان تعدد ورودی‌های شهر اگر کسی می‌خواست از سمت جنوب شرقی وارد شود باید از ارگ حکومتی می‌گذشت. این طور که گفته می‌شود محلهٔ ارگ نامش را از هم‌جواری با مقر حکومتی ارگ به دست آورده است. محدوده‌ای که به‌لحاظ بافت، بخش کوچکی از شهر را به خود اختصاص می‌داد اما به لحاظ پایگاه اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای داشت و هنوز هم کم‌وبیش این جایگاه را حفظ کرده است.

ارگ‌نشینان افراد خوش‌پوش و صاحب‌منصبی بودند که در این محدوده اسکان داشتند. این طور که از شواهد برمی‌آید، دروازهٔ ارگ مجاور با یکی دیگر از دروازه‌های مشهد به نام سراب قرار داشت که گویا توسط ملک محمود سیستانی ساخته شده بود.

نام این مجموعه‌ها حتی در آثار مکتوب و تصویری جهانگردانی که سفر به مشهد داشته‌اند، هویداست. آنجا که «ایست‌ویک» دیپلمات انگلیسی که در زمان تولیت مشیرالدوله در عهد قاجار به مشهد سفر کرده است، دربارهٔ موقعیت این ارگ می‌نویسد: «پس از گذشتن از باغ‌های زیبا به دروازهٔ ارگ رسیدیم. اینجا زمینی ناهموار و خندق عریض شهری بود که در صورت لزوم می‌توانستند آن را از آب انبارها و قنات‌های پیرامون شهر پر کنند. کمی دورتر، ارگ حکومتی قرار داشت.».

البته تا زمان نادرقلی افشار، محلهٔ حاکم‌نشین همان چهارباغ بود اما پس از نادر مقر حاکم، در ارگ قرار گرفت. عباس میرزا (پسر ناصرالدین‌شاه) برای آخرین بار این بنا را مرمت کرد و ارگ، جایگاه اصلی والی خراسان شد.

به نقل از نفوس ارض اقدس

وضعیت مشهد گذشته در میان روایت‌های ساده و مکتوب آن زمان هم شنیدنی است. کتابچهٔ «نفوس ارض اقدس» که در سال ۱۲۹۵ قمری تألیف شده، تقریباً قدیمی‌ترین سندی است که از مشهد قدیم در دست ماست. در یکی از بخش‌های این مجموعه از شش دروازهٔ مهم شهر به نام‌های دروازهٔ بالاخیابان در شمال غربی شهر، دروازهٔ پایین خیابان در جنوب شرقی، دروازهٔ سراب در غرب و دو دروازهٔ عیدگاه و ارگ در جنوب و جنوب غربی نام می‌برد.

به گفتهٔ مؤلف این کتاب علاوه بر این‌ها دروازه‌های باغ دولاب و علمیون (میرعلی آمویه) در شمال شرقی شهر بوده که اهالی اعتقاد داشتند هر وقت یکی از این دو دروازه باز شده، فتنه‌ای درگرفته است به همین خاطر این دروازه‌ها معمولا بسته بوده‌اند.

سال ۱۳۰۰ یک بارو، ۶ دروازه

کاظم خادمیان در مقالهٔ «تحقیقات جغرافیایی» که از گذشتهٔ مشهد یاد کرده است، وضعیت شهر در سال ۱۳۰۰ را چنین وصف کرده است.

محیط باروی شهر تقریباً دایره شکل است و برخی زوایای آن را سنگرهای نظامی به شکل برج‌های گلی مدور گرفته‌اند و در امتداد بارو برج‌های کوچکی ساخته شده است. باروی شهر دارای ۶ دروازهٔ اصلی است و عملیات ساختمان دروازهٔ هفتم نیز در حد فاصل بین دروازهٔ سراب و دروازهٔ ارگ به‌منظور دریافت عوارض در حال ساخت است.

پای بارو خندق کوچکی حفر است. علاوه بر این خندقی گود و عریض نیز در اطراف باروست که به خاطر تأثیر عوامل جوی و بی‌توجهی فرسایش یافته است و بخشی از آن محل رفت‌وآمد افراد شده است و برخی از قسمت‌ها هم به گونه‌ای فرسایش یافته که اسب می‌تواند عبور کند. مجاور دروازهٔ ارگ، خندق پرآبی قرار دارد که می‌توان بر روی آن بند بزرگ و مستحکمی احداث کرد. جادهٔ صعب‌العبوری هم در اطراف آن کشیده شده است.

ولی ارگ با اینکه معماری خیلی باشکوهی ندارد، محل سکونت ایالت خراسان است که ادارهٔ امور خراسان به‌جز حوزهٔ متبرکهٔ (حرم مطهر) به والی آن سپرده شده است و امنیت آن با استفاده از باروهای شهر تأمین می‌شود.

دروازهٔ ارگ و میدان ده‌دی

در میان محققان و مشهدپژوهان، سلیمان نوری در توضیحات کوتاه و خلاصه از ۶ دروازه که به منزلهٔ قلعه نظامی بوده‌اند، یاد می‌کند.

وی با توجه به اسناد و گفته‌های قدیمی‌ها موقعیت مکانی و جغرافیایی مشهد را چنین توصیف می‌کند: «شهر برای داشتن امنیت دارای برج و بارو و دروازه بوده به این ترتیب که اطراف شهر دیوار و بارو قرار داشته است و دروازه‌ها محل‌های ورودی شهر به حساب می‌آمدند.».

نوری با اشاره به تعدد دروازه‌ها که اطراف شهر جانمایی و احداث شده بودند، عنوان می‌کند: «مشهد در آن سال‌ها وسعت و گسترش امروز را نداشته است و وجود دروازه نشانگر این بوده که شهر در آن نقطه تمام می‌شده است.».

استنباط این مشهدشناس از موقعیت جغرافیایی دروازهٔ ارگ همان محدودهٔ میدان ده دی بوده است که بعد از آن بیابان مانند و بی‌سکنه بوده است. این محقق یادآور می‌شود: «برج و باروها و دروازه‌های شهر تا دههٔ ۴۰ شمسی نیز وجود داشته‌اند و بعد از آن رفته‌رفته تخریب شده و از بین رفته‌اند.».

دکتر جمشید قشنگ کارشناس شفاهی تاریخ آستان قدس نیز به‌قوت می‌گوید: «دروازهٔ ارگ همان میدان ده دی یا سوم اسفند بوده است، چرا که در آن روزگار بعد از این محدوده شهر به پایان می‌رسیده و محل سکونت و اقامتی نبوده است.».

ارتباط مستقیم از دروازه تا مقر حکومتی

سعید آرین کارشناس معماری و مشهدپژوه که در حال تهیهٔ مستندی دراین‌باره است با توجه به پژوهش‌هایی که انجام داده، عنوان می‌کند: «احتمال احداث این دروازه به ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال گذشته برمی‌گردد؛ دوره‌ای که نادرشاه سکاندار شهر بوده و مقر حکومتی‌اش باغ نادری قرار داشته که از نقطه‌های خوش آب و هوای شهر بوده است.».

وی عنوان می‌کند: «از این مقر تا دروازه راهی نبوده است، بیشتر به این خاطر که مسیر مستقیم باشد و افرادی که حامل پیام مهمی بوده‌اند و برای رسیدن به مقر عجله داشته‌اند، خودشان را زودتر به ارگ برسانند. به گفتهٔ وی در محل استقرار شاه در ارگ دوربینمانندی قرار داشته است که به‌وسیلهٔ آن ورود و خروج افراد و حتی نگهبان نیز تحت کنترل و نظارت بوده است.».

دروازه‌ای در حاشیهٔ شهر

جواد نوائیان پژوهشگر مشهدی توضیح می‌دهد: «تا دورهٔ قاجار مقوله‌ای به نام ارگ حکومتی وجود نداشته و اگر برای حاکمی سفری پیش می‌آمد، در مقری غیر از ارگ استقرار می‌یافت.».

وی با اشاره به این موضوع که دروازه‌ها براساس قواعد شهرسازی آن روزگار شکل می‌گرفته و دارای برج و بارو بوده‌اند از ارگ به‌عنوان یکی از شاخص‌های شهر نام می‌برد و می‌گوید: «با توجه به اینکه مقر حکومتی و ارگ معمولا در مرکز شهر قرار داشته، موقعیت جغرافیایی ارگ مشهد به‌دلیل مرکزیت حرم مطهر در حاشیهٔ شهر قرار داشته است، در حالی که دروازهٔ ارگ فاصلهٔ نزدیکی با ارگ داشته است.».

نوائیان خروجی شهر از دروازهٔ ارگ را در محلی نزدیک به گنبد سبز مشخص می‌کند و توضیح می‌دهد: «مرقد و آرامگاه یکی از بزرگان در این محدوده نشان می‌دهد که اینجا قبرستانی بزرگ بوده است و از آنجا که بیشتر قبرستان‌ها خارج از محدودهٔ شهری قرار داشته‌اند، احتمال می‌رفته که بعد از این محدوده شهر تمام شده و دروازه قرار داشته باشد.».

انقضای حصار و دروازه

آن طور که نقل است و دکتر محمدرحیم رهنما در کتاب بافت قدیم مشهد هم به آن اشاره کرده است، قدیم امنیت شهر با حصار و دروازه تأمین می‌شده است؛ حصار از بناهای شاه طهماسب پسر شاه اسماعیل صفوی بود و خندقی نیز در مجاور آن احداث شده بود. حصار و برج‌ها که فرسوده شدند، در اوایل قرن حاضر (۱۳۱۰ه.ش) فروریختند اما به گفتهٔ تاریخ‌پژوهان دروازه‌ها تا دههٔ ۱۳۴۰ ادامهٔ حیات داشته و از ورودی‌های شهر به حساب می‌آمدند.